فهرست مطالب

[خبریه یا إنشائی بودن آیه 2](#_Toc25369365)

[اصل در جملات 3](#_Toc25369366)

[استعمال جمله خبریه در انشاء 3](#_Toc25369367)

[خلاف اصل بودن حمل یک جمله خبریه بر انشاء و بعث و زجر 4](#_Toc25369368)

[تصاویر استعمال در خبر و انگیزه انشائیه 5](#_Toc25369369)

[خبری و إنشائی بودن یک جمله 6](#_Toc25369370)

[مولویت خاصه 9](#_Toc25369371)

[مقام بیان حکم وضعی آیه 10](#_Toc25369372)

[جمع‌بندی 10](#_Toc25369373)

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / حب و بغض

# اشاره

# خبریه یا انشائی بودن آیه

بحث دیگر این است که **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**[[1]](#footnote-1) به‌عنوان یک گزاره خبری است، جمله خبریه مؤکد یا جمله‌ای که حاوی حصر است، می‌باشد.

**﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** یک جمله خبریه است، المؤمنون مبتدا، إخوه خبر آن است، سؤال در اینجا این است که این جمله که در ابتدا خبریه به کار می‌آید، واقعاً در مقام خبر و اخباریت است یا اینکه ظاهرش جمله خبریه است، جمله خبریه در مقام انشاء است؟ هذا الجملة جملةٌ اخباریه یا جملةٌ خبریه‌ای که در مقام انشاء است.

به‌عبارت‌دیگر؛ این جمله خبریه از لحاظ مراد جدی هم در مقام اخبار است یا اینکه جمله خبریه در مقام انشاء است؟

اگر جمله خبریه در مقام انشاء بود که بحثی در آن نیست، اگر جمله خبریه که در مقام اخبار است، در این صورت سؤال دومی هست که بیان می‌کنیم.

علت این سؤال این است که چون همه ما در مفاد روایات در مجموعه آیات و روایات بارها مواجه بوده‌ایم با جمله‌های به‌ظاهر خبریه که در مقام انشاء بوده است، آن‌قدر این شیوع دارد که در بحث اوامر موردتوجه قرارگرفته است و گفته می‌شود: جمله‌های خبریه مثل امر در مقام انشاء دال بر وجوب هستند، بلکه بنا بر برخی از نظرها آکد است، ما در آکدیت تفصیل قائل هستیم، ازجمله نمونه‌هایش اینکه وقتی در روایات می‌گوید: وظیفه این فرد چیست؟ می‌گوید: یغتسل، یصلی و امثالهم، همه این‌ها جمله‌های خبریه است که فعل ماضی در آن‌ها به کار می‌برند، درحالی‌که نمی‌خواهد بگوید که این کار را می‌کند، نمی‌خواهد خبر بدهد، کل جمله می‌خواهد بگوید: إغتسل، کُل، إشرب، این جمله در مقام بعث است، در مقام زجر و انشاء است، از این موارد زیاد هست و ما با آن مواجه هستیم، جمله‌های خبریه در مقام انشاء اگر نگوییم در دلالتش بر بعث و زجر و وجوب و حرمت آکد است، لااقلش این است که مثل امرونهی است.

ممکن است در برخی از آیات هم باشد، لااقل به شکل احتمالی بعضی در مثل **﴿لا إِكْراهَ فِي الدِّين﴾**‏[[2]](#footnote-2) می‌گویند: اکراه نکنید، آیه **﴿وَ الْوالِداتُ يُرْضِعْنَ أَوْلادَهُن﴾**‏[[3]](#footnote-3) قطعی است که در مقام انشاء است.

آیه که می‌فرماید: **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**، آیا می‌خواهد بگوید: برادر باشید، رعایت برادری بکنید یا اینکه همان امر تکوینی و اخباری را بیان می‌کند؟

طبعاً در پاسخ به این سؤال این است که اصل را در جمله‌های خبریه، اخباری بودن است، إلّا أن تقوم قرینةٌ علی خلافه، آنکه در روایات یغتسل، یصلی و امثالهم را حمل بر خبر در مقام انشاء می‌کنیم، برای اینکه خبری بودنش خیلی معقول نیست، از امام سؤال می‌کند که با این وضعیت چه‌کار بکنم؟ امام می‌فرمایند: یغتسل، بعید است که بگوییم امام می‌خواهد خبر بدهد، لذا همه می‌گویند که امام در حال امرونهی است.

بنابراین یک قرینه واضحه‌ای باید باشد تا جمله از آن بافت وضع‌شده برای آن، به یک مفهوم دیگری برگرداند، اصل در جمله‌ها خبریه بودن است و اصل در اخبار و در جمله‌ها هم این است که تطابق بین داعی جد و استعمال است، ما دو اصل داریم.

# اصل در جملات

اصل در هر جمله‌ای این است که به همان شکلی که وضع‌شده برای آن رعایت بشود، یعنی اصل در جمله‌های خبریه ‌این است که در مقام استعمال، خبری است، کما اینکه اصل در امرونهی این است که در مقام استعمال انشائی است.

اصل دوم این است که این خبری که استعمال در خبر شده، داعی جِدّ او هم همین است یا داعی جِدّش چیزی دیگری است، اصل این است که تطابق است، التطابق بین الإرادة الإستعمالیه و الإرادة الجدیّه.

# استعمال جمله خبریه در انشاء

لذا وقتی می‌گوییم: جمله خبریه در انشاء به کار رفته است، دو گونه می‌شود تفسیر کرد:

1 – مجازاً در مقام اراده استعمالیه این جمله یعنی بعث و زجر، کاربرد استعمالش در بعث و زجر است.

2 – در مقام اراده استعمالی در حالت خبری استعمال شده است، اما داعی او و اراده جِدّیه او همان بعث است.

اینکه کسی در جمله «إنّما المؤمنون إخوه» یا هر جمله‌ای دیگر بگوید: در بعث و انشاء به کار رفته است، دو تفصیل دارد:

1 – مجازاً در آن بعث و انشاء به کار رفته است.

2 - در همان معنای موضوع‌له‌اش استعمال شده است، اما اراده جدیه‌اش این نیست، چیزی دیگر است.

# خلاف اصل بودن حمل یک جمله خبریه بر انشاء و بعث و زجر

حمل یک جمله خبریه بر انشاء و بعث و زجر خلاف اصل است، در هر دو تقریری که بیان می‌کنیم، خلاف اصل است:

1 – تقریب اول این است که بگوید: مفهوم این جمله خبر نیست، بلکه بَعث است، مثل‌اینکه می‌گوییم: مفهوم کلمه مفرد أسد شیر نیست، بلکه رجل شجاع است، اگر بخواهد بگوید که مجازاً جمله خبریه در انشاء به کار رفته است، این خلاف اصالة الحقیقه است، اصالة الحقیقه می‌گوید: این در معنای حقیقی خودش که خبر است، به کار رفته است، در مجاز به کار نرفته است که انشاء باشد.

تقریر دوم این است که این جمله از لحاظ کاربرد استعمالی، خبر؛ مستعمل‌فیه آن است، منتهی داعی جِدش یک‌چیز دیگری است، مثل **﴿فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ﴾**[[4]](#footnote-4)، استعمال فأتوا در امر است، منتهی انگیزه او این است که او را تعجیز بکند، آن داعی است که در کفایه ذکر شده است.

تقریب دوم این است که بگوییم: جمله‌های خبریه مثل یغتسل یا یصلی و امثالهم که در مقام انشاء هستند، مجازاً در انشاء به کار نرفته است، بلکه حقیقتاً در انشاء به کار رفته است، منتهی انگیزه او انشاء است، خبر نیست، داعی‌اش و اراده جِّدیه‌اش آن است، این تقریب هم خلاف اصل است، خلاف اصل عقلایی که می‌گوید: إراده استعمالیه و جدّیه تطابق دارند، اصل این است که همانی که مراد مستعمل‌فیه‌اش است، مراد جدیّه‌اش هم همین است، چیزی دیگری نیست.

بنابراین احتمال دوم که کسی بگوید: **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**، جمله خبریه کامل نیست، این جمله در مقام انشاء به کار رفته است، در مقام اخبار به کار نرفته است، این بحث دو تقریب دارد:

1 – تقریب اول اینکه بگوییم: این جمله در معنای مجازی انشاء استعمال شده است، این لإصالة الحقیقه رد می‌شود.

2 – تقریب دوم این است که استعمال در خبر شده است، اما انگیزه و داعی و اراده جدیه‌اش انشاء است، این هم درست نیست؛ لإصالة التطابق بین الإرادة الإستعمالیه و الإرادة الجدیّه، اصل این است که داعی و اراده جدی هر جمله‌ای، مطابق ظاهر مستعمل‌فیه‌اش است.

این‌طور سؤال مطرح شد که **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** از آن جمله‌های خبریه‌ای است که واقعاً در مقام اخبار است یا این جمله خبریه‌ای است که از آن انشاء فهمیده می‌شود؟

# تصاویر استعمال در خبر و انگیزه انشائیه

گفته می‌شود: احتمال دوم دو تصویر دارد:

1 – تصویر اولش این است که مجازاً در انشاء به کار برود، این لإصالة الحقیقه نفی و رد می‌شود.

2 – تقریب دوم احتمال دوم این است که در اخبار به کار رفته است، اما داعی جِدش انشاء است، این هم لإصالة التطابق بین الإرادة الإستعمالیه و الجِدیه رد می‌شود، ازاین‌جهت ما همیشه در جمله‌های خبریه به خاطر همین دو اصل باید بگوییم: واقعاً اخبار می‌دهد، مگر اینکه قرینه عامه یا خاصه‌ای یا لبیه یا لفظیه ای باشد که بگوید این مجاز است یا قرینه‌ای بگوید: این مجاز نیست، اما داعی استعمالش فرق می‌کند که تقریب دوم بود، در اینجا ظاهراً این‌طور مسئله‌ای در کار نباشد.

سؤال...

جواب: فرمایش شما خوب است، ضمن اینکه طرف دیگرش ممکن است کسی بگوید: اینکه کسی بگوید: رعایت اخوت را بکنید، این جمله را به کار ببرد که مؤمنون إخوه هستند، به اینکه رعایت حقوق اخوت بکنید یا آن ویژگی‌های اخوت و شرایط اخوت را رعایت بکنید، در این هم یک تمهل است، اشکالی ندارد، «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْه‏»[[5]](#footnote-5)، گفته‌شده که این در مقام انشاء است، «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْه‏» خبر در مقام انشاء است، یعنی تلاش بکنید که برتر باشد، اشکالی ندارد، اما یک تمهلی در آن هست.

سؤال...

جواب: ممکن است کسی استشهاد بکند که إنّما یک نوع خبر است، شاید خیلی تناسب نداشته باشد که در مقام انشاء بیاورد، اگر هم آن را نگوییم، بازهم إنّما قرینه‌ای برای انشاء بودن نیست، بیشتر اخبار است که سازگار است.

سؤال...

جواب: اراده جدیه است، وقتی أسد را در رجل شجاع به کار می‌برد، لفظ را در معنای مجازی به کار برده است، اراده جدیه‌اش هم مطابق معنای مجازی است.

سؤال...

جواب: شواهدی برای این پیدا نکردیم.

سؤال...

جواب: آنجا قرینه داریم، کلمه خبریه را در انشاء به کار برده است، انشاء بعث و زجر نبوده است، بلکه انشاء عقد است.

پس سؤال اول این بود که «إنّما المؤمنون إخوه» جمله جدی اخباری است یا در مقام انشاء است، گفتیم دو تصویر دارد و هر دو خلاف اصل است، قرینه‌ای هم نداریم، مگر اینکه قرائنی برای اولی وجود داشته باشد.

لذا می‌گوییم: **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** حمل بر ظاهر می‌کنیم، یعنی جمله خبریه است، یک توصیف است که به یک اصل مشترکی می‌رسند، درواقع خبر می‌دهد، می‌گوید: وصف و مشعر به علیّت است.

می‌گوید: این مؤمنان اخوتی دارند بر پایه اینکه یک اصل مشترک ایمانی دارند، این خبر می‌دهد، البته خبر از یک امر فرهنگی، اعتقادی و امثالهم می‌دهد، می‌گوید: این‌ها اشتراک در یک اصل اعتقادی دارند.

سؤال...

جواب: نه ممکن است ترتب انشاء بر انشاء داریم، همان‌طور که ترتب انشاء بر اخبار داریم.

سؤال...

جواب: تأییدی نیست، یک تکلیفی می‌کند، می‌گوید: آن‌هم مترتب بر این تکلیف است.

سؤال...

جواب: پس بگوییم: همه قرآن از مولا به عبد صادر شده است، پس کل جمله‌های خبریه را انشاء بگوید، صرف این دلیل نمی‌شود.

# خبری و إنشائی بودن یک جمله

نکته دیگر این است که یک فرض دیگری هم داریم که بگوییم: یک جمله درآن‌واحد، هم خبری است و هم إنشائی است، این امکان عقلی دارد، هیچ اشکالی ندارد، برای اینکه در مقام استعمال، در مفاد خودش استعمال شده است، منتهی در دو داعی دارد، هم داعی اخبار و هم داعی انشاء دارد، **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** هم خبر می‌دهد از آن وجه مشترک ایمانی که یک پیوندی بین مؤمنان و مسلمانان ایجاد کرده است، هم درعین‌حال می‌خواهد بگوید: باید به این پیوند پای بند بود، **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** در زمان واحد هم إخبار و هم انشاء و بعث است، إخبار از وجود آن اصل مشترکی که این پیوند را می‌آورد و انشاء آن‌هم تأکید بر رعایت و پای بندی به آن است.

سؤال...

جواب: یک نمونه از ده‌ها حقوق اخوت، به خاطر تناسب به آیات مورد تأکید قرار داده است، نمی‌گوید: آن نیست، درواقع تفریع یک نتیجه خاصی است بر یک جمله‌ای که عام بوده است.

**﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** می‌گوید: این وجه دارید و هم باید پای آن وجه بایستید، یکی از آن‌ها هم **﴿فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُم﴾**‏ است، آن را نفی نمی‌کند.

سؤال...

جواب: این هم دو تقریب دارد:

1 – این در زمان واحد در معنای حقیقی و مجازی به کار می‌رود، این استعمال لفظ بر اکثر معنا می‌شود.

2 – بگوییم: در همان حقیقی خبری استعمال شده، منتهی به دو داعی؛ هم داعی اخبار و هم داعی انشاء را دارد.

سؤال...

جواب: مثلاً در **﴿وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنينَ﴾**[[6]](#footnote-6) این احتمال را داده‌ایم، همچنین در **﴿لا إِكْراهَ فِي الدِّين﴾[[7]](#footnote-7)**‏ این احتمال را داده‌ایم، قبلاً بحث کردیم، اما به نتیجه نهایی نرسیدیم.

احتمال سوم که دو تقریب دارد، یک تقریبش استعمال در دو معنا است، یکی دیگر این است که وجود دو داعی در زمان واحد در یک معنا است، این هم طبعاً خلاف ظاهر است، هم استعمال لفظ اکثر از معنا، هم وجود دو داعی متفاوت در یک کاربرد، خلاف ظاهر است، اگر قرینه روشنی باشد، البته مانعی ندارد و عقلاً محال نیست، اما خلاف ظاهر است و قرینه می‌خواهد.

سؤال اول در این جمله این بود که خبر یا انشاء است؟ سه احتمال را بیان کردیم و گفتیم: ظاهرش این است که این جمله خبریه است.

آن اخوتی که بر اساس ایمان پیدا می‌شود، خداوند از آن اخبار می‌دهد، سؤال این است که آیا این جمله خبریه‌ای که همین مدلول مطابقی محض را دارد یا اینکه این جمله خبریه‌ای است که یک مدلول التزامی دارد؟ در اینجا بعید نیست که کسی بگوید: یک جمله خبریه محض نیست، **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**، خداوند با یک تأکیدی خبر می‌دهد، به اینکه توجه داشته باشید که ایمان شما همه را برادر کرد، همه را به هم پیوند دارد، یک پیوند استوار و قوی بین شما ایجاد کرد، پرده را از یک واقعیت برمی‌دارد، با عنایت اخوت را در آن به کار می‌برد، اما آن تأکیدی که در آیه هست، غیر از این می‌خواهد بگوید: نگاهی هم به مدلول التزامی‌اش دارد، مدلول التزامیش این است که پای این اخوت بایستید، این را محکم کنید و نگه دارید، البته نمی‌گوییم که این کنایه از آن است، یک احتمال این است که بگوییم: إنّما المؤمنون کنایه از آن است، این مطلب را نمی‌خواهیم بگوییم، بلکه می‌گوییم: واقعاً خبر می‌دهد، **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** یک قانون است، یک اصل در روابط اجتماعی در میان مسلمانان است، یک مبنای هستی‌شناسی است، یک مبنای واقعی است، اما درعین‌حال به چه علت خداوند معنای واقعی را می‌گوید، خداوند می‌گوید: برای اینکه ما را به یک تقویت آن فرابخواند، به رعایت تقویت آن و رعایت لوازم و اقتضائات آن فرابخواند.

سؤال...

جواب: داعی که مقصود ما هست، گفتیم که بافت جمله آن را می‌خواهد بگوید، بیان آن قاعده هستی‌شناسی در جمله نیست، اما در احتمالی که الآن می‌گوییم، واقعاً **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** یک قانون است، قانون واقعی است، اما درعین‌حال بیان این قانون واقعی برای این است که یک تکلیفی برای شما بیاورد، یک تکلیفی برای شما بیاورد.

**﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** برای این منظور است که شمارا مکلف به تقویت آن و رعایت لوازم و اقتضائات آن بکند.

سؤال...

جواب: کلی مسئله همین است، بیان فنی‌اش مشکل است، یک‌وقتی می‌گفتیم: مشترک لفظی یا دو داعی است، ما اینجا می‌گوییم: دو داعی طولی است، این جمله را با داعی جدّ خبری به‌عنوان خبر آورده است، اما درعین‌حال یک مدلول التزامی هم دارد، در خیلی از موارد، جمله مدلول التزامی دارد، مدلول مطابقی سر جای خودش محفوظ است، مدلول التزامیش حالت بیّنه به معنای اعم همه دارد، هرکسی را می‌بیند، فوری می‌گوید: **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**، یعنی انسان باید پای اخوت ایمانی‌اش بایستد، منتهی یک‌وقتی می‌گوییم کل جمله معنایش این است، این همان بحث‌های قبلی است، اما در بحث بعدی می‌گوییم که کل جمله معنایش این نیست، همان معنای خبر است، ولی درعین‌حال یک مدلول التزامی دارد، ما در **﴿لا إِكْراهَ فِي الدِّين﴾**‏، **﴿وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنينَ﴾**، **﴿إِنَّ الْإِنْسانَ لَيَطْغى‏﴾ ﴿أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى﴾**، در بسیاری از آیات قرآن این قانون را پیاده کردیم، قرآن می‌گوید: **﴿إِنَّ الْإِنْسانَ لَيَطْغى‏﴾ ﴿أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى﴾**، ضمن اینکه این یک خبر است، یک قانون روان‌شناختی را بیان می‌کند، درعین‌حال یک مدلول التزامی تکلیفی هم دارد، بایدهایی است که از حصرها به شکل مدلول التزامی استخراج می‌شود، تعداد زیادی از جمله‌های خبریه در قرآن هست که نمی‌شود گفت که خبر نیست، چون خلاف اصل است، واقعاً خبر هست و مطلب مهمی را در اخبارش دارد.

اینکه از طرف دیگر بگویید: این کاری به زندگی و رفتار ما ندارد، این هم درست نیست، حلّش به این است که این جملات خبریه است، یک قانون در روابط اجتماعی مسلمانان را بیان می‌کند، واقعیت و حقیقت است، درعین‌حال بیان واقعیت از مولایی که در مقام مولویت است، یک بُعد و التزام تکلیفی دارد، اگر بخواهیم این را تعمیم بدهیم، همه اخبارات قرآن یک مدلول التزامی است، لذا می‌گوییم: کل قرآن فقه است، این مسئله‌ای است که بارها گفته‌ایم.

همه گزاره‌هایی که قرآن می‌گوید، درواقع با یک قرینه عامه به یک التزامی به آن‌ها فرامی‌خواند.

سؤال...

جواب: بر اساس اصالة مولویة و مقام مولویتی که دارد و امثالهم.

# مولویت خاصه

منتهی در همه‌جا به این وضوح نیست، یک جمله‌هایی است که این قصه در آن خیلی وضوح دارد، فراتر مولویت عامه یک مولویت خاصه دارد، وقتی می‌گوید: **﴿وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنينَ﴾**، می‌گوییم این یک واقعیت در عالم تکوین است و می‌گوید که پای این بایست، در «لا إکراه فی الدین» می‌گوید: در اعتقاد اکراه نیست، البته به این توجه بکن، آنجا نمی‌توانی الزام و اجبار بکنی، یک مدلول التزامی دارد، همچنین «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْه‏» و **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** هم به همین صورت است.

به همین دلیل است که بلافاصله یک تکلیف را بر این تفریع می‌کند، می‌گوید: **﴿فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُم﴾**، این یک نوع از تفریع است و إلّا صد نوع تفریع را می‌شود انجام داد، آن تفریعات در روایات است، در اصول کافی، بحارالانوار آنجایی که بحث اخوت را می‌گوید، ده‌ها روایت مشاهده می‌کنید که در بخشی از آن‌ها این آیه هم ذکر شده است و تفریع می‌کند، غیبت نکن، تهمت نزن، دوست داشته باش و امثالهم، همه را از دل اخوت درآورده‌اند، این همان مدالیل التزامی است که در این آیه است، در روایات لبریز شده است و ذکر شده است، حقوقی که ذکر شده است، همه این‌ها به همین مدالیل التزامی **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** برمی‌گردد، مسلمانان اخوت دارند، خدا می‌فرماید که بدانید، تقویتش بکنید، قطعاً مدلول التزامی دارد.

سؤال...

جواب: بله اما این جمله مدلول التزامی دارد.

سؤال...

جواب: همین جمله که از مولا صادر می‌شود، مولویتی که روی اخوت آمده است، این مدلول التزامی پیدا می‌کند،

این جمله و تعابیر زیر سایه اولویت قرار گرفت، بلافاصله مدلول التزامی پیدا می‌کند، این قاعده کلی است، در خیلی از موارد دیگر جاری می‌شود.

بنابراین اگر سؤال بشود که آیا **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** جمله خبریه در مقام انشاء است؟ می‌گوییم: نه اما می‌گوییم: جمله خبریه‌ای است که مدلول التزامی دارد، بیّن به معنای عام است، اگر عام هم نگوییم و غیر بیّن بگوییم هم اشکالی ندارد، اما مدلول التزامی حجت است.

# مقام بیان حکم وضعی آیه

اینکه کسی بگوید: این جمله در مقام بیان یک حکم وضعی است، بگوید: أخوت یک قانون تکوینی دارد که اخوت بر اساس و مبنای مشترک است، اما یک اخوت اعتباری داریم که شارع آن را به‌عنوان یک امر اعتباری جعل می‌کند، اینکه به‌عنوان یک حکم وضعی گرفته بشود، خلاف اصل است، البته امر غیرمعقولی نیست، اما خلاف اصل است.

بنابراین اینکه بگوییم: این جمله به شکل تکلیفی یا وضعی در مقام انشاء است، هر دوی این‌ها خلاف اصل است.

سؤال...

جواب: اینکه بگوییم: این جمله خبریه در مقام بیان حکم است، مؤونه زائده‌ای دارد، اصل این است که در مقام بیان رابطه مبتدا و خبر است، اینکه بگوییم می‌خواهد این رابطه را قرار بدهد.

سؤال...

جواب: اینکه در مقام جعل عنوان وضعی است، این خلاف اصل است.

# جمع‌بندی

چند نظریه در باب آیه هست:

1 - آیه می‌گوید خبر محض است،

2 – انشاء محض است و مفادش حکم تکلیفی است.

3 – انشاء محض است و مفادش حکم وضعی است.

4 – انشاء و اخبار به شکل مشترک به کار رفته است.

همه این‌ها را اشکال کردیم.

5 – این اخباری است که یک مدلول التزامی انشائی دارد.

1. سوره حجرات، آیه 10. [↑](#footnote-ref-1)
2. - بقره: 256 [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره بقره: 233 [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره بقره، آیه 23. [↑](#footnote-ref-4)
5. - وسائل الشيعة، ج‏26، ص: 14. [↑](#footnote-ref-5)
6. - سوره منافقون، آیه 8. [↑](#footnote-ref-6)
7. - سوره بقره، آیه 256. [↑](#footnote-ref-7)